

# منظر پارادوکسال

## خیابان‌های امروز قفقاز، محصول تجمع اندیشه کمونیستی و سرمایه‌داری

مولود شهسوارگر | محمد آتشین‌بار

کارشناس ارشد معماری منظر

[moloudshahsavari@yahoo.com](mailto:moloudshahsavari@yahoo.com)

پژوهشگر پست دکتری، مدرسه کاربردی مطالعات عالی پاریس

[babak.atashinbar@gmail.com](mailto:babak.atashinbar@gmail.com)

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی «هنر و تمدن قفقاز» و برداشت‌های میدانی سفر مطالعاتی آن در سال ۱۳۹۲ است که در مرکز پژوهشی نظر انجام شد.

### چکیده

پس از آنکه دولت‌های کمونیستی حاکمیت شهرهای قفقاز را در دست گرفتند فضاهای شهری دستخوش تحولات زیادی شدند. خیابان نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های منظر شهری که بخش عمده‌ای از ادراک شهر وابسته به آن است در استراتژی دولت‌های اقتدارگرا از جمله شوروی مورد توجه قرار گرفت؛ به طوری که تولید خیابان یک اصل عمده در معرفی چهره جدید شهرها با هدف نمایش قدرت حاکم محسوب می‌شد. نظم و هندسه در یک ساختار مستقیم همراه با کاربری‌های حکومتی مانند ساختمان‌های اداری، دولتی و مذهبی از بارزترین خصوصیات کالبدی این خیابان‌هاست.

نکته قابل تأمل حضور پررنگ چنین خیابان‌هایی در منظر شهرهای قفقاز امروز بوده که تنها رنگ و بویی از میل به جهانی شدن و نوگرایی بدان افزوده شده است. به نظر می‌رسد مدیریت شهری قفقاز با هدفی متفاوت از دوره سوسیالیستی، همان رویکرد نمایشی را برای ساماندهی منظر خیابان در پیش گرفته است که در آن اولویت زندگی شهری پس از تحقق اهداف حکومتی است. این مقاله درصدد است با مقایسه تطبیقی منظر خیابان‌های قفقاز در دو دوره سوسیالیستی و پس از آن، تحلیلی پدیدارشناسانه از رویکردهای مدیریت شهری نسبت به ساماندهی خیابان ارائه کند.

### واژگان کلیدی

منظر شهری، خیابان، منظر سوسیالیستی، قفقاز.

## مقدمه

خیابان یکی از عناصر منظر شهری است که مبانی فکری مدیریت شهری و همچنین فرهنگ زندگی در کالبد آن تبلور پیدا می‌کند. در دوره سنت، ساختار کالبدی خیابان منطبق بر رفتار و الگوی ذهنی مردم به صورت تدریجی و براساس نیازهای شهروندان شکل می‌گیرد و نظم ارگانیک دارد لذا بیش از آنکه ساختار کالبدی شهر را شکل دهد بیانگر ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. حال آنکه تفکر مدرن، خیابان را به صورت هندسی و منطقی با عرض مشخص و جداره یکنواخت شکل می‌دهد. مقیاس خیابان از انسان به ماشین تغییر می‌کند و شأن عملکردی آن اولویت پیدا می‌کند. ویژگی‌های مذکور مورد توجه اندیشه‌های سوسیالیستی دولت‌ها از جمله قفقاز قرار گرفت و خیابان به اصلی‌ترین عنصر شهر در معرفی حاکمیت بدل شد که یک‌باره و به دور از زندگی مردمی ساخته می‌شد. در دوران استقلال نیز علی‌رغم تغییر چهره سیاسی شهر، اما هنوز این خیابان‌های قفقاز هستند که با کالبد سوسیالیستی خود نقش محوری را در سازمان فضایی شهر بر عهده دارند. لذا تضاد در شعارهای سیاسی و وضع موجود این شهرها حاکی از دوگانگی است که مدیریت شهری در سیاست‌های خود با آن روبروست.

## فرضیه

هیجانات ناشی از میل به جهانی‌شدن و پس‌لرزه‌های اقتصاد ضعیف دولت پس از دوران کمونیستی باعث کم‌توجهی مدیریت شهرهای قفقاز به خیابان شده است. محصول این نگاه هراسان، خیابان‌هایی پدیدآمده از منظر سوسیالیستی و منظر سرمایه‌داری است که شاخصه‌های ذهنی شهروندان در ایجاد آن کمترین نقش را داشته است.

## روش تحقیق

مقاله حاضر، پژوهشی تحلیلی است که در سه گام به پدیدارشناسی خیابان‌های قفقاز می‌پردازد:

- اول. مطالعه کتابخانه‌ای: بررسی مبانی شهرسازی کمونیستی، خصوصیات و نقش خیابان در شهر سوسیالیستی؛
- دوم. مشاهدات میدانی: تحلیل نمونه‌های مورد بازدید در قفقاز جهت راستی‌آزمایی نظریه؛
- سوم. استنتاج: تفسیر نتایج حاصل جهت قرائت رویکرد مدیریت شهری امروز قفقاز در ساماندهی منظر خیابان.

## خیابان در شهر سوسیالیستی

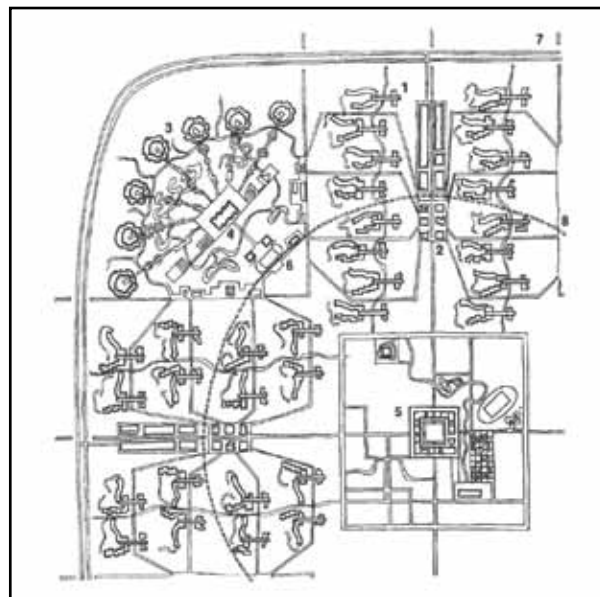
کمونیسم که تأثیر زیادی بر منظر شهرهای مورد سلطه خود داشته، در یک تعریف ساده ایدئولوژیکی به دنبال تأسیس یک جامعه بدون اختلاف طبقاتی است که خاستگاه آن به بیانیه «مارکس» در سال ۱۸۴۸ بازمی‌گردد. برابری اجتماعی، توزیع

همه‌هنگ امکانات و حذف طبقات اجتماعی در توسعه شهرها از مهمترین اقدامات مدیران شهری سوسیالیست بود که به دنبال تحقق آن‌ها، منظری یکنواخت و همگن شکل گرفت (French & Hamilton, 1997). محله‌های مسکونی یکسان، ارزان‌قیمت، قابل استفاده برای همه اقشار و با حداقل امکانات از ویژگی‌های منظر این شهرهاست که در آن بخش‌های اداری - فرهنگی متعلق به عموم جامعه گسترش یافته و بخش تجاری - بازرگانی کوچک نگه داشته می‌شود (آتشین‌بار، ۱۳۸۹: ۷۲). البته در نگاه اول این سیاست، عدالت‌طلبانه به نظر می‌رسد و طرفداران آن معتقد هستند برابری اجتماعی در شهر سوسیالیستی به روشنی در ارجحیت حرکت پیاده بر وسیله نقلیه شخصی دیده خواهد شد؛ توسعه کاربری‌های مختلط، دسترسی به امکانات عمومی را آسان می‌کند؛ همچنین حمل و نقل عمومی نیاز به اتومبیل شخصی را کاهش می‌دهد و سبب توزیع یکسان و همه‌هنگ امکانات می‌شود (Myers, 2008: 1). تسلط بلامنزاع حکومت بر رشد و توسعه شهر و کنترل شدید و یک‌سویه دولتی بر شکل زندگی ساکنان شهرها سبب شد تا بسیاری از ساختارهای محلی جای خود را به قالب‌های سکونت‌ای دهند که همانند پازل، پلان شهر را بدون توجه به اصول انسان‌مدارانه شهرسازی بنا می‌کند (عسکرزاده و خادمی، ۱۳۸۹: ۷۰)؛ (تصویر ۱). گوتنوا (Gutnov) چهار ویژگی اصلی سازمان فضایی شهرهای سوسیالیستی را چنین بیان می‌کند (Gutnov, 1971: 117):

۱. جابه‌جایی یکسان برای همه: محله‌های مسکونی به لحاظ دسترسی در فاصله یکسانی از مراکز اصلی، پارک‌ها قرار گیرند.
۲. تعیین فاصله براساس مقیاس پیاده: هیچ خانه‌ای نسبت به بقیه خانه‌ها، دورتر از پارک و فضای باز قرار نگرفته باشد.
۳. حمل و نقل عمومی: استفاده از سیستم جابجایی عمومی در خارج از محوطه پیاده علاوه بر نفع عمومی جامعه، خطر وسایل نقلیه شخصی را نیز کاهش می‌دهد.
۴. کمربند سبز: هر محله حداقل از دو سمت به زمین باز محدود شود.

در دوران کمونیستی توجه مدیران و طراحان شهری بر مکان‌یابی کارگاه‌ها و کارخانجات صنعتی، ساماندهی خدمات رفاهی، تعیین کاربری اراضی شهری و توسعه واحدهای سکونت‌ی متمرکز بوده است (Tang, 2000, Xie & Costa, 1993: 103). لذا کارخانجات در نقاط مهم شهر و نواحی مسکونی در اطراف قرار گرفتند و شهر با اضافه‌شدن حلقه‌های پیرامونی رشد کرده است (Bertaud & Renaud, 1995: 3). تراکم و تخصیص زمین به کاربری‌های متفاوت حاصل تصمیم‌گیری دولتی بود (Kornai, 1992) که به دلیل غرق‌شدن در اجرای اندیشه عدالت‌محور، نیازهای فضایی زندگی شهری فراموش شد. در کنار بافت همگن و یکنواخت واحدهای مسکونی که به منظور تحقق عدالت اجتماعی سوسیالیست‌ها برای بهبود اوضاع نابسامان طبقه

کارگر شکل گرفت، خیابان نیز به عنوان یکی از عناصر اصلی منظر شهری به صورتی دستوری اجرا شد که برآمده از اجتماع نبود. در این میان خیابان‌هایی ساخته شدند که به سبب تحمیل کاربری‌های دولتی، حکومتی و مذهبی، زندگی واقعی شهر در پشت جداره‌هایش پنهان شد (تصویر ۲). درحالی‌که خیابان با تمام خصوصیات کالبدی و غیر کالبدی‌اش بیانگر ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. احساس‌های جمعی چون شادی، غم و خشم بیش از هر کجا در «زبان خیابان» به بیان می‌آید: خیابان محل برپایی جشن‌هایی است که گاه همچون جشنواره‌های برزیلی هفته‌ها به طول می‌انجامد، جشنواره‌های جدید و مراسم عزاداری به ویژه عزاداری‌های ملی، تصویری گویا از کارکرد خیابان عرضه می‌کنند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۳۱۴). بنابراین بعد اجتماعی خیابان از مؤثرترین ابعاد در شناخت کیفیت شهر است که با رخ دادن تعاملات اجتماعی در آن خاطرات جمعی شهروندان شکل می‌گیرد. اما در بعد کالبدی، تمایل حکومت مرکزی در اندیشه کمونیستی، استفاده از معماری کلاسیک است. معماری کلاسیک ریشه در اساطیر تاریخی تمدن‌ها دارد که با شاخصه‌های خود خواهان به بند کشیدن محیط است؛ معماری‌ای که با ابهت و ابعاد بزرگ و تناسب دقیق، نماینده قدرت است (بانی‌مسعود، ۱۳۸۵). چنین معماری برای خیابان جداره‌هایی با وحدت شکل و رنگ و تکرار عناصر هماهنگ به وجود می‌آورد.



تصویر ۱. پلان نمونه‌ای از یک شهر سوسیالیستی کوچک: ۱. واحدهای مسکونی اولیه، ۲. مرکز اجتماعی بخش، ۳. مجموعه مدرسه، ۴. مرکز علمی، ۵. مرکز واحدهای مسکونی جدید، ۶. مجموعه ورزشی، ۷. بزرگراه، ۸. حمل و نقل عمومی سریع بالای

محدوده پیاده، مأخذ: Gutnov, 1971

تصویر ۲. محلات پنهان در پشت جداره خیابان‌های سوسیالیستی. دوشنبه، تاجیکستان. پشت محلات خیابان رودکی. عکس: محمد آتشین‌بار، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۰.



بسیاری از ساختمان‌ها که فاقد اهمیت معماری و هنری بودند خراب شدند و جای خود را به بناهای معظم دادند: ترکیبی از معماری رنسانس ایتالیا و معماری امپراطوری روس پدید آوردند. اما ساختمان‌های دیگر که واجد اهمیت بودند از پی خود جدا شده و روی مجموعه‌ای از ریل‌های راه آهن به محل تازه‌ای که برای آن‌ها در نظر گرفته شده بود منتقل شدند؛ پس از آن خیابان «تورسکایا» به «گورکی» تغییر نام داد و «شانزده‌لیزه مسکو» لقب گرفت. خیابان گورکی نشانه پیروزی بلشویک‌ها در معماری است که در آن رشته ستون‌های مرتب و سرستون‌های کاخ لنین‌گراد از کلاسیسیسم ایتالیا و رنسانس نشأت گرفته است (Kopp, 1989: 28)؛ (تصویر ۳). اما مجسمه‌هایی که بر فراز این ساختمان‌ها دیده می‌شوند نمایانگر خدایان اسطوره‌ای روم و یونان نیستند؛ آن‌ها قهرمانان واقعی یا خیالی نخستین برنامه پنج‌ساله صنعتی و اقتصادی روسیه شامل تندیس‌هایی از کارگران، روستائیان و سربازان ارتش سرخ هستند؛ شاهدان عصری که طی آن کوشش شد میان معماری و هدف‌های اجتماعی آشتی پدید آید. خیابان در شهر سوسیالیستی، محصولی است که به دنبال اقدام شتابزده

ابعاد بزرگ و مقیاس وسیع، شاخص‌ترین ویژگی است که در وهله اول القاکننده روحیه اقتدارگرایی حاکم بر خیابان است. هندسه خطی و منظم خیابان نیز نشان از این دارد که خیابان براساس زندگی مردمی و نیازهای آنان شکل نگرفته، بلکه سریع و دستوری به اجرا درآمده است. این خیابان‌های خطی از حضور و مداخله یک قدرت واحد حکایت دارد که مطابق یک دستور مشخص به ایجاد آن اقدام می‌کنند (گیدیون، ۱۳۶۵). خیابان گورکی (Gorky Street) و استقلالیت (Istiglaliyyat Street) از نمونه‌های خیابان سوسیالیستی هستند؛ اوایل دهه ۱۹۳۰ در روسیه طرحی مبنی بر تعریض خیابان تورسکایا (Tverskaya) - شهر تور (Tver) که در گذشته از طریق این خیابان با مسکو تبادلات تجاری داشته است - توسط آرکادی موردینوف (Arkady Mordvinov) ارائه می‌شود که به سبب حال و هوای ایدئولوژیک آن دهه، نظریه واقع‌گرایی سوسیالیستی (Socialist Realism) در معماری بر نظریات سازندگی‌گرایان (Constructive) که طرفدار معماری مدرن (چیزی شبیه سبک معماری لوکوربوزیه و مکتب باهاوس) در روسیه بودند، پیروز می‌شود. در این طرح

تصویر ۳. معماری خیابان گورکی شامل تمامی تاریخ شهر می‌شود: ساختمان انستیتوی مارکس، انگلس و لنین (۱۹۲۶)، ساختمان تلگراف (۱۹۲۷)، ساختمان عمارت ملی که اعضای دولت شوروی و افراد خانواده‌هایشان در آن جای داشتند، هتل لوکس و قدیمی که در سال‌های پیش از جنگ و تا ۱۹۴۳ از مبارزان کمونیست و کارمندان پذیرایی می‌کرد، رستوران‌های لوکس سال‌های پیش از انقلاب و مجسمه تاریخی از پرنس یوری دولگوروی - بنیانگذار افسانه‌ای شهر مسکو (Kopp, 1989: 29). خیابان گورکی در اواخر دهه ۱۹۳۰، مأخذ: [www.livejournal.com](http://www.livejournal.com).



به صورت قطعه‌ای جدا و بدون ارتباط با بافت محله‌ای اطراف در دوران کمونیستی شکل گرفت. نمای جداره این خیابان در مقایسه با نمای بناها در بافت اطراف که بسیار ساده، خالص و بدون تزئینات هستند، دارای تجمل و مصالح فاخر است. عناصر شکل‌دهنده منظر خیابان‌های قفقاز در دوره حکومت کمونیستی، تنها مجموعه‌ای از مؤلفه‌های کالبدی است که به نظمی از پیش تعیین شده اشاره دارد و جاری کردن فعالیت‌های شهروندی در آن به کم‌اهمیت‌ترین عنصر بدل شده‌اند. تفکر سوسیالیستی تمام اجزای خیابان، حتی مؤلفه‌های تاریخی و طبیعی به جا مانده از دوره‌های پیشین که در غالب هندسه‌های ارگانیک ترتیب یافته‌اند را با تفکر قاطع و یکنواخت خود انتظام می‌بخشد. در این خیابان‌ها جداره تعیین‌کننده هویت است؛ تا اندازه‌ای که هماهنگی و ریتم، سبک معماری را به عنصری درجه دوم تبدیل می‌کند.

### خیابان‌های قفقاز در دوره استقلال

دوره استقلال قفقاز را می‌توان آغاز نوگرایی در خیابان دانست. در این دوره اگرچه مفهوم خیابان همانند دوره سوسیالیستی باز به مؤلفه‌های کالبدی وابسته است اما این بار همانند دوران کمونیستی برنامه‌ریزی ساختار کلی، هندسه و مقیاس راهکار مورد توجه نیست، بلکه تمرکز بر استفاده از مصالح، رنگ و محصولات مدرن در کف و جداره‌های خیابان است. در واقع تغییرات کالبدی در این دوره را می‌توان الحاق عناصر مدرن مانند تابلوها، پانل‌های تبلیغاتی و مبلمان‌هایی دانست که به تقلید از غرب ساخته شده‌اند. خیابان روستاولی شهر تفلیس با ابهت و شکوه دوره کمونیستی خود، در نقش خیابان اصلی شهر بهترین عرصه برای نمایش رویکرد امروز قفقاز است. با وجود برندهای معروف با مغازه‌ها و تابلوهای لوکس، رستوران‌های مدرن و پانل‌های بزرگ تبلیغاتی، خیابان خالی از زندگی شهری و در سکوت تنها محل عبور ماشین است (تصویر ۵). علاوه بر این مبلمان شهری به تقلید از نمونه‌های اروپایی در فرم، مصالح و

تصویر ۴. خیابان داوید آگماشنبلی (David Agmashenebeli Avenue) در شهر کوتائسی (kutaisi)، اوج تفکر اقتدارگرایی حکومت کمونیستی با ایجاد نظرها شهری که در بالای آن مجسمه بزرگ مقیاس داوید، پادشاه گرجستان (David the builder) قرار داشت. مأخذ: مولود شهبسوارگر، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



حکومت مرکزی جهت نیل به اهداف عدالت‌طلبانه، بدون ارتباط با بافت پیرامونی و زندگی جاری ساکنان خیلی سریع تولید می‌شود. این رویکرد، منظر شهری‌ای را سبب می‌شود که نه تنها با اهداف اولیه حاکمیت سازگار نیست، بلکه روحیه‌ای اقتدارگرا را نیز به مخاطب القا می‌کند. خیابان‌های سوسیالیستی با مقیاس عظیم، ساختمان‌های درشت‌دانه و جداره‌های یکنواخت وحدتی یک‌سویه را به تصویر می‌کشد که نماینده منظر حکومتی شهر است.

### خیابان‌های قفقاز در دوران کمونیست

قفقاز از جمله نواحی است که با تجربه دو دوره متفاوت سیاسی (سوسیالیستی و پس از آن)، دو رویکرد متفاوت در ساماندهی خیابان را نمایش می‌دهد. هماهنگی بین بنا، وحدت رنگی، هم‌ترازی، درشت‌دانی بدون پر و خالی، خط آسمان یکنواخت بدون اوج و فرود از ویژگی‌های خیابان‌های قفقاز در دوره سوسیالیستی است که بر ابهت و شکوه آن تأکید می‌کند. این جداره‌ها همواره با بناهای عظیم و کاربری‌های اداری، دولتی و مذهبی شکل می‌گیرند و نشانه‌ای از زندگی روزمره شهری در آن جاری نیست. درحالی‌که خیابان‌های بافت‌های تاریخی را نه تنها کاربری‌های مورد نیاز مردم شکل می‌دهد، بلکه هندسه خیابان نیز متأثر از زندگی مخاطب است؛ به طوری که گشودگی‌های فضایی به تناسب فعالیت جاری در آن ایجاد می‌شود و شکل کلی خیابان بر خلاف فرم خیابان‌های سوسیالیستی که مستقیم‌الخط و یکنواخت بوده براساس هندسه و نظمی ارگانیک پدید آمده است.

خیابان منتهی به قصر دادیانی (Prince Dadiani Place) در شهر زوگدید (Zugdidi) در زمان شوروی به سبب داشتن درختان کهنسال برای تبدیل به خیابان اصلی شهر انتخاب شد و محور سبز قدیمی خیابان در قالب هندسه مستقیم‌الخط دوره شوروی درآمد. وحدت شکلی در رنگ و خط آسمان به همراه ساختمان‌های اداری و دولتی، این خیابان را به بلوار نوسکی نزدیک می‌کرد: "هیچ چیز نمی‌تواند جالب‌تر از بلوار نوسکی باشد حداقل در سن پترزبورگ که این طور است ... در بلوار نوسکی آنچه به چشم می‌خورد مملو از ظرافت و آداب‌دانی است ... هرکس که از بلوار نوسکی عبور کند به منظره بی‌نهایت متنوع کلاه‌ها، دامن‌ها و بلوزها، کمرنگ و پرنرنگ خیره می‌شود به طوری که تأثیر پوشندگان آنها تا دو روز تمام در خاطر انسان می‌ماند" (گوگول، ۱۳۹۱: ۱ و ۵۴). خیابان داوید آگماشنبلی (David Agmashenebeli Avenue) در شهر کوتائسی (Kutaisi) دارای نظرها (ebeli Avenue) است که مجسمه بزرگ پادشاه گرجستان (David, the builder) در زمان حکومت سوسیالیست‌ها بالای آن قرار گرفت؛ این مجسمه علی‌رغم در برداشتن همه تفسیرهای اجتماع‌محور در آن دوره یادآور نگاه از بالا به پایین حکومت نیز هست (تصویر ۴). در نهایت خیابان تی‌گیرانمتس (Tigran Mets Avenue) شهر وانادزور (Vanadzor) در ارمنستان با دستور از پیش تعیین شده

به جز چند دست‌فروش مقابل کلیسای سیونی (Sioni Cathedra)، دیده نمی‌شود. حتی گشودگی‌هایی که به لحاظ کالبدی برای تعاملات اجتماعی مناسب‌اند، خالی از امکاناتی است که به شکل‌گیری و رشد این اجتماعات منجر شود. در دوران استقلال تحولاتی مانند تغییر نام خیابان‌ها و ساختمان‌ها و یا پایین کشیدن مجسمه‌های سوسیالیستی اتفاق افتاده (Palonen, 2008: 221) اما هنوز کارخانه‌های بزرگ، ساختمان‌های عمومی و واحدهای مسکونی در منظر شهری باقی مانده‌اند و مورد استفاده قرار می‌گیرند (Light & Young, 2010: 7). اگرچه این اقدامات سریع و آسان هستند اما تأثیر عمیقی ندارند و به نظر می‌رسد رفاه اجتماعی و اقتصادی با ارزش‌تر از پاک کردن منظر سوسیالیستی تلقی می‌شود.

رنگ با هدف معرفی چهره مدرن شهر در فضاهای شهری قرار گرفته است (تصویر ۶). خیابان اصلی شهر زوگدید، صرفاً نقش عبوری دارد؛ تنها تغییرات دوره استقلال، اضافه‌شدن کاربری‌های مورد نیاز گردشگران و نیمکت‌هایی در وسط محور سبز، محل استراحت عابرین است. این خیابان اگرچه در مقایسه با چند نمونه دیگر از قبیل خیابان داوید آماشنبلی شهر کوتایسی و حتی خیابان روستاولی تفلیس، به دلیل حضور خدمات شهری کوچک از قبیل فروشگاه‌های خرد، آرایشگاه و خوراکی‌فروشی‌ها به همراه دست‌فروش‌ها زنده‌تر و پویاتر است اما هنوز جداره آن روح سوسیالیستی را بر خیابان غالب می‌کند. در خیابان روستاولی شهر تفلیس نیز اثری از زندگی شهری و حضور اجتماعات مردم

تصویر ۵. خیابان اصلی شهر وانادزر، خیابان تی‌گیرانمتس. همشینی دو رویکرد متفاوت در ساماندهی خیابان، که در هر دو زندگی شهری شهروندان کم اهمیت شمرده شده است. عکس: مولود شهسوارگر، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



تصویر ۶. فضای جمعی مقابل شورای شهر کوتایسی. رویکرد نوگرا در طراحی میلمان شهری. مأخذ: مولود شهسوارگر، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



## نتیجه گیری

علی‌رغم آن‌که خیابان (هم عینیت و هم ذهنیت آن) محصول تدریجی زندگی شهری است، اما خیابان‌های قفقاز در دوره سوسیالیستی براساس مبانی نظری دولت حاکم، در روندی سریع ایجاد و به عرصه نمایش قدرت تبدیل شد. در این روند بسیاری از خیابان‌های سنتی با فضاهای جمعی کوچک از بین رفتند و جای آنها را خیابان‌های مستقیم‌الخط با روحیه دولتی گرفت. اگرچه مقیاس بزرگ خیابان‌های سوسیالیستی می‌تواند فرصت مناسبی در اختیار مدیریت شهری قرار دهد تا با برنامه‌ریزی فعالیت‌های اجتماع‌محور مثل واحدهای خدماتی عمومی تجربه‌ای از زندگی شهری را در عرصه خیابان فراهم آورد اما به سبب رویکرد نوگرایی مدیریت شهری، تنها به ایجاد جداره‌هایی با ظاهر مدرن بسنده شده است. رویکرد غربی در ساماندهی منظر خیابان‌های قفقاز با پس‌زمینه سوسیالیستی آن، وحدت در شکل جداره را به تنوع تغییر داده و حضور واحدهای تجاری و خدماتی خردمقیاس، فعالیت یکنواخت خیابان را پویاتر کرده است. در مقابل ثبات معماری دوره قبل به تداوم بسیاری از شناسه‌های منظر سوسیالیستی همچون دانه‌بندی، مقیاس، هندسه و فعالیت انجامیده است (جدول ۱). آنچه اهمیت دارد رفتارها و الگوهای فرهنگی مردم بوده که در پی تأثیرات دوران کمونیستی و همچنین بی‌توجهی مدیران و برنامه‌ریزان شهری امروز به انزوا کشیده شده است؛ اتفاقی که در تداوم رویکرد نمایشی دوره کمونیسم با هدفی متفاوت در حال وقوع است.

جدول ۱. به دلیل وجود بناهای سوسیالیستی بسیاری از ویژگی‌های کالبدی تداوم یافته‌اند. مأخذ: نگارندگان.

دوره	کاربری	دانه‌بندی	مقیاس	فعالیت	شکل خیابان	نظم خیابان
دوران کمونیستی	کاربری دولتی - حکومتی و مذهبی	بناهای درشت‌دانه	مقیاس غیر انسانی	خالی از فعالیت و زندگی شهری	جداره‌های یکنواخت با برخورداری از وحدت فرم و رنگ	هندسه خطی و مستقیم
دوران استقلال	در کنار کاربری‌های حکومتی و مذهبی، کاربری‌های تجاری و خدماتی با مقیاس خرد شکل گرفته‌اند.	بناهای درشت‌دانه	مقیاس غیر انسانی	خالی از فعالیت و زندگی شهری	تنوع رنگی در جداره‌ها با الحاق عناصر مدرن، تابلوها و مغازه‌های لوکس	هندسه خطی و مستقیم

## فهرست منابع

- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۸۹). پارادوکس در منظر شهری، مجله منظر، ۲ (۶) : ۷۱-۷۳.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۵). تاریخ معماری غرب : از عهد باستان تا مکتب شیکاگو. تهران : نشر خاک.
- عسکرزاده، محمد حسین و خادمی، شهرزاد. (۱۳۸۹). مرگ تاریخ و جغرافیا در شهر سوسیالیستی. مجله منظر، ۲ (۶) : ۷۰.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری، تهران : نشر نی.
- گوگول، نیکلای واسیلیویچ. (۱۳۹۱). یادداشت‌های یک دیوانه و هفت قصه دیگر، ترجمه : خشایار دیبیمی، تهران : نی.
- گیدیون، زیگفرید. (۱۳۶۵). فضا، زمان، معماری : رشد یک سنت جدید. ترجمه : منوچهر مزینی. تهران : انتشارات علمی و فرهنگی.
- Bertaud, A., Renaud, B. (1995). *Cities With out Land Markets: Location and Land Use In The Socialist city*, The World Bank, Policy Research Working Paper No, 1477.
- French, R. A, Hamilton, F. E. I. (1997). *The Socialist City. Spatial Structure and Urban Policy*. The Socialist City: Spatial Structure and Urban Policy, Chichester & New York: Wiley.
- Gutnav, A., et al. (1971). *The Ideal Communist City*, Translated by R. N. Watkins, New York: George Braziller.
- Kopp, A. (1989). Streetscapes impressions of city life. *The UNESCO Courier*, 42(8): 11-45.
- Kornai, J. (1992). *The Socialist System: The Political Economy of Communism*. Princeton: Princeton University Press.
- Light, D. & Young, C. (2010). Reconfiguring Social Urban Landscape: The 'Left- Over' Space of State- Socialism In Bucharest., *Journal of Human Geographies*, 4(1): 5- 16.
- Myers. J. C. (2008). Traces of Utopia: Socialist Values and Soviet Urban Planning. *Journal of Cultural Logic*, Retrieved from <http://clog. eserver.org/2008/2008.html>.
- Palonen, E. (2008). The city-text in post- communist city budapest: street names, memorials, and the politics of commemoration. *GeoJournal*, (73): 219-230.
- Tang, W-Sh. (2000). Chinese urban planning at fifty: An Assessment of the Planning Theory Literature, *Jornal of Planning Literature*. (14): 347-66.
- Xie, Y. & Costa, F.J. (1993). Urban planning in socialist China. Theory and practice, *journal of Cities*, 10 (2): 103- 114.